

بررسی و نقد شیوه تفسیر تاریخی قرآن

حدیثه سلیمانی^۱

محسن نورایی^۲

علی اکبر ربیع نتاج^۳

تاریخ دریافت ۹۶/۷/۱۵ تاریخ پذیرش ۹۶/۹/۱۰

چکیده

در دوران معاصر، برخی از قرآن‌پژوهان به شیوه تفسیر تاریخی روی آورده‌اند. اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان این شیوه و نوظهور بودن آن، ایجاب نمود تا این پژوهش با کمک منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی و توصیفی، به بررسی نقاط قوت و ضعف تفسیر تاریخی بپردازد. پیداست که هرچند برخی از مبانی و اصول اولیه تفسیر تاریخی مانند روایات ترتیب نزول، از اتقان لازم و کافی برخوردار نیست، اما در مجموع می‌توان از این شیوه با استناد به تاریخ نزول، تاریخ صدر اسلام و سیره نبوی به شکل تفسیر موضوعی و تحول‌آفرینی و فرهنگ‌سازی در جوامع تمسک جست.

کلیدواژه‌ها: نقد، تفسیر تاریخی قرآن، ترتیب نزول، تاریخ نزول، تفسیر موضوعی نزولی.

^۱ گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

hsolamani@yahoo.com

^۲ گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

^۳ گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

از آنجا که تفسیر و شیوه‌های آن، ارتباط تنگاتنگی با قرآن و مفاهیم والای آن دارد، لذا هر شیوه تفسیری جدید که سر برمی‌آورد، منتقدان و موافقانی را به دنبال خواهد داشت. تفسیر تاریخی قرآن، نظریه‌ای نوظهور می‌باشد که در دوران معاصر توجه و نظر برخی از قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. این افراد گاهی با در نظر گرفتن نقاط ضعف آن، به مخالفت با آن پرداختند. گاهی نیز برخی دیگر، نقاط مثبت و فواید آن را مد نظر قرار داده و از آن دفاع نمودند. در این نوشتار به بررسی تفسیر تاریخی از دیدگاه قرآن‌پژوهان پرداخته خواهد شد.

از ابتدای نزول قرآن، هر یک از مفسران با روشی به شرح آیات قرآن و معارف الهی پرداختند. عمده شیوه‌ای که ایشان از آن بهره جستند، تفسیر آیات به ترتیب مصحف کنونی بوده که هر مفسر به فراخور فهم و درک خویش، آیات قرآن را - از ابتدا تا انتهای مصحف - تفسیر و تبیین نمود. در این میان، عده‌ای، تنها برخی از آیات یا برخی سوره را تفسیر کردند (مانند تفسیر القرآن - الکریم از سید مصطفی خمینی)، برخی نیز، موفق به تفسیر تمام آیات و سوره شدند (مانند المیزان فی تفسیر القرآن از سید محمدحسین طباطبایی). این شیوه هنوز هم طرفداران زیادی دارد.

نظریه جدیدی که در دوران معاصر مورد استقبال برخی از قرآن‌پژوهان قرار گرفته، تفسیر آیات و سوره به ترتیب نزول آنهاست. برخی از قرآن‌پژوهان مانند نکونام، تنها دیدگاه‌های خویش را بیان نمودند و گاهی نیز تفسیر آیات یا سوره‌ی را با این شیوه انجام دادند (مانند تفسیر سوره علق در بستر تاریخی، مجله مقالات و بررسیها، ۱۳۸۲). عده‌ی دیگر، مانند دروزه (از مفسران اهل - سنت) توانستند تفسیر تمام سوره را به ترتیب نزول ارائه دهند.

در میان مفسران شیعی، تنها عبدالکریم بهجت پور تفسیر «همگام با وحی» را به ترتیب نزول نگاشته که البته هنوز موفق به تفسیر تمام سوره قرآن نشده است.

از آنچه پژوهشگران تاکنون در نقد تفسیر تاریخی انجام داده‌اند، می‌توان به مقالات زیر

اشاره نمود:

«جایگاه تفسیر به ترتیب نزول در روش‌های تفسیری» (رهبری، ۸)؛ نویسنده این مقاله، در

مقام آسیب‌شناسی این شیوه و نقد آن برآمده و آن را رد نموده است.

«رویکردی نو در تفسیر بر اساس ترتیب نزول» (بهجت پور، ۸۹): این مقاله ضمن تعریف این شیوه، دلایل متعددی در اثبات مشروعیت آن بیان کرده و فواید زیادی برای آن، بر می‌شمرد. «نقدی بر فواید تفسیر ترتیب نزولی» (ایازی، ۸۹): نویسنده این مقاله ضمن رد شیوه تفسیر بر اساس نزول، معتقد است در ادعاهای صورت گرفته برای فواید و آثار این شیوه مبالغه شده و بر فرض داشتن فواید، در تفسیر بر اساس مصحف نیز، این فواید قابل تحصیل است. «نگاهی به تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول» (قدسی، ۹۳) این مقاله ضمن بررسی و رد این شیوه، باور دارد که این شیوه ضرورتی ندارد بلکه ممکن است خلاف مصلحت و حکمت باشد. هریک از این پژوهشگران، به زوایایی از بحث پرداختند. آنها یا به طور کامل تفسیر تاریخی را رد کرده و یا اینکه به تمام قد از آن دفاع نمودند. مقاله حاضر سعی دارد تا ضمن نقد منصفانه، نگاه جامعی بر تفسیر تاریخی داشته باشد و به تمام جوانب آن، اعم از نقاط قوت و ضعف بپردازد تا میزان اعتبار و ارزشمندی آن آشکار شود. زیرا شرط نقد منصفانه، آن است که نقاط قوت و ضعف در کنار هم بررسی شود. سؤال اصلی آن است که آیا می‌توان از تفسیر تاریخی به تنهایی برای تفسیر آیات قرآن استفاده نمود؟ یا اینکه این شیوه، بایستی در کنار شیوه-های دیگر تفسیر به کار گرفته شود؟ و یا آنکه آن، به طور کل مردود بوده و باید کنار گذاشته شود؟.

مفهوم‌شناسی

ابتدا لازم است مفهوم چند اصطلاح بیان گردد:

الف) تفسیر تاریخی

برای تفسیر تاریخی معانی بیان شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود: تفسیر تاریخی به معنای بیان معانی کلمات و آیات قرآن، همراه با تاریخ نزول، اسباب نزول، شناخت زمان نزول، و تاریخ نزول آیات و سوری که قبل و بعد آنها نازل شده‌اند، می‌باشد. (رک: سمیع نزال، ۲۰۰۶، ۶۳)

این همان معنایی است که مقاله‌ی کنونی از تفسیر تاریخی در نظر دارد.

از دیدگاه برخی، دو رویکرد برای تفسیر تاریخی وجود دارد. رویکرد اول: تفسیر آیات تاریخی قرآن؛ که مراد از آن، تفسیر مسائل تاریخی و بیان حوادث، تفسیر و تحلیل تاریخ ملتها، نقل قصص پیامبران، تحلیل و بیان فلسفه تاریخ و نکته‌های عبرت‌آموز می‌باشد.

رویکرد دوم: نگاه تاریخی به آیات و تکیه بر ترتیب نزول که حاصل آن، تفاسیر به ترتیب نزول است. مفسران، پا به پای نزول وحی، حوادث مربوط به آیات، پیام‌ها و واژه‌های قرآن را تبیین می‌کنند. (رک: خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۶۴۳/۱؛ رضایی اصفهانی و مومن‌نژاد، ۱۳۹۴، ۱۹)

آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، نگاه تاریخی به آیات و سور می‌باشد؛ نه تفسیر آیات و سوری که شامل مسائل تاریخی است. هرچند به اعتقاد برخی، رویکرد دوم، دارای آفاتی مانند محدود کردن مفاهیم قرآنی به زمان و مکان نزول، می‌باشد. (رک: رضایی اصفهانی و مومن‌نژاد، ۱۳۹۴، ۱۹)

در پاسخ ایشان باید گفت: شیوه صحیح تفسیر تاریخی، آن است که مفسران، مفاهیم قرآن را با کمک قاعده جری و تطبیق ۱، به تمام اعصار و جوامع تسری دهند و آن را فقط محدود به زمان و مکان نزول ندانند. زیرا قرآن، کتابی برای هدایت همگان در تمام زمانها است. ۱.

۱. جری و تطبیق، اصطلاحی رایج میان مفسران و قرآن‌پژوهان می‌باشد و مراد از آن، انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آن‌ها نازل شده، است (رک: شاکر، ۱۳۷۶، ۱۴۷).

از نظر علامه طباطبایی «قرآن، از نظر انطباق مفاهیمش با مصادیق و نمونه‌های خارجی و تبیین وضعیت آنان، گستره ویژه‌ای دارد؛ زیرا آیات آن منحصر به مورد نزولش نیست، بلکه در هر مورد دیگری که ملاک و ویژگی مورد نزول را داشته باشد، جاری می‌شود. این معنا همان چیزی است که در روایات به "جری" قرآن، نام‌گذاری شده است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳/۶۷). وی معتقد است که «این اصطلاح، از گفتار اهل بیت (ع) گرفته شده و این سلیقه ایشان بوده که هر آیه از قرآن را بر هر موردی که قابل انطباق بر آن باشد بر آن تطبیق می‌کردند، هرچند که خارج از سبب نزول باشد». (همان، ۴۲/۱).

امام صادق (ع) می‌فرماید: قرآن زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و همواره جریان دارد همانطور

بهترین روش تفسیر تاریخی، استنباط و نظام و مکتب تاریخی قرآن می‌باشد. این روش، دارای مبانی مهمی مانند شناخت سنت‌های تاریخی قرآن، نگاه هدایتی و تربیتی به آیات تاریخی، استفاده از منابع معتبر تاریخی است. (ر.ک: رضایی اصفهانی و مومن نژاد، ۱۳۹۴، ۱۹)

شهید صدر در کتاب «سنت‌های تاریخ در قرآن» به بحث تفسیر تاریخی از زاویه‌ی دیگر پرداخته و به تفسیر موضوعی سنت‌های تاریخی در قرآن می‌پردازد.^۲

بحثی که در مقاله حاضر پیگیری می‌شود، با دیدگاه شهید صدر تفاوت دارد. به عقیده یکی از صاحب‌نظران، هر تفسیر ناظر به تاریخ‌گذاری قرآن، تفسیر تاریخی نامیده می‌شود. مراد از تاریخ‌گذاری، آن است که به کمک روایات مختلف مکی و مدنی، اسباب نزول، ترتیب نزول، تاریخ پیامبر اسلام (ص)، بهره‌گیری از تلویحات و تصریحاتی که در قرآن راجع به رویدادهای زمان‌مند تاریخ رسالت آن حضرت نظیر شروع دعوت علنی وجود دارد، زمان و ترتیب تاریخی هر یک از واحدهای نزول (تمام سوره، یا بخشی از یک سوره)، شناسایی و معین گردد. (ر.ک: نکونام، ۱۳۸۸، ۲)

باید توجه داشت که هرچند تاریخ‌گذاری با رعایت شرایط بالا، پسندیده بوده و کمک فراوانی به تفسیر تاریخی می‌نماید، ولی نباید از ضعف‌هایی چون کمبود روایات معتبر، وجود روایات ضعیف، اسباب نزول‌های متفاوت و تکراری ذیل برخی آیات، غافل شد. به علت همین ضعفها، به تعبیر برخی، تعیین تاریخ دقیق نزول سور قرآن به خصوص سور مکی، فوق‌العاده دشوار است. (ر.ک: نولدکه، ۵۷)

که شب و روز، خورشید و ماه در جریان است... (ر.ک: عیاشی، ۱۳۸۰، ۲/۲۰۴).

۱. هُدًى لِلنَّاسِ (بقره/۱۸۵): هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ (آل عمران/۱۳۸)

۲. عنوان عربی این کتاب «المقدمات فی التفسیر الموضوعی للقرآن» می‌باشد که جمال‌الدین موسوی آن را ترجمه کرده است.

با این حال، تعیین تاریخ نزول عبارات و آیات قرآن مبتنی بر احادیث ارزشمند بوده و اساس کارهای آینده را تشکیل می‌دهد. (رک: ریچارد بل، ۱۳۸۲، ۱۶۸) لذا احادیث، نباید به هر بهانه‌ای کنار گذاشته شوند. شکی نیست که اعتماد به روایات معتبر اسلامی، بهترین راه رسیدن به دقیق‌ترین ترتیب زمانی نزول آیات قرآن می‌باشد. (رک: صبحی صالح، ۱۳۷۲، ۱۷۷-۱۷۸)

برخی، معنای نزدیکی نسبت به تفسیر تاریخی بیان می‌کنند و از آن، به «تفسیر تنزیلی» یاد می‌کنند:

«ترتیب نزول تدریجی قرآن، در دو مورد تجلی می‌یابد: ترتیب نزول سوره‌ها و ترتیب نزول آیات. تفسیر قرآن بر هریک از این دو نوع، قابل تصور است. چون این سبک با نزول قرآن در بیست و سه سال رسالت پیامبر (ص) پیوند دارد، می‌توان آن را تفسیر تنزیلی نامید.» (بهبخت پور، ۱۳۸۹، ۳۷-۳۸)

تفسیر تنزیلی از نگاه ایشان، دو رویکرد دارد: تفسیر تنزیلی ترتیبی، تفسیر تنزیلی موضوعی. (رک: همان)

مد نظر نوشتار کنونی از «تفسیر تاریخی»، تفسیر آیات قرآن با تکیه بر ترتیب نزول و قواعدی مانند توجه به تاریخ اسلام و سیره نبوی می‌باشد.

ب) رابطه‌ی تفسیر تاریخی و تفسیر تنزیلی

از آنجا که مفهوم تفسیر تاریخی و تفسیر تنزیلی نزدیک می‌باشد، لذا در باب رابطه‌ی میان این دو، بحث است. از دیدگاه برخی از قرآن‌پژوهان، اصطلاح تفسیر تاریخی مفهومی گسترده‌تر از تفسیر بر اساس ترتیب نزول دارد. در واقع تفسیر به ترتیب نزول، یکی از انواع تفسیر تاریخی است. (رک: شاکر، ۱۳۸۹، ۱۱۴)

اما از دید برخی دیگر، تفسیر تاریخی همان تفسیر ترتیب نزولی می‌باشد که هدف از آن، تفسیر قرآن در بستر تاریخ و ترتیب نزول، توجه به مکان و زمان نزول، و مخاطبانش است. (رک: نکونام، بی تا، ۴۱-۴۲)

بنابراین، هرچند تفسیر تاریخی با تفسیر تنزیلی تفاوت دارد ولی در این مقاله، با اغماض، مراد از تفسیر تاریخی، همان تفسیر بر اساس ترتیب نزول یا تفسیر تنزیلی می‌باشد که در این صورت رابطه میان این دو، مترادف خواهد بود.

پیشینه تفسیر تاریخی

قدمت تفسیر تاریخی قرآن به عصر نزول بر می‌گردد. حضرت محمد (ص) آیاتی را که نازل می‌شد، در همان زمان تفسیر می‌نمود. پس از آن، به طور دقیق در قرن چهاردهم، دانشمندان اهل سنت با چاپ مصحفی در مصر، به تفسیر تاریخی روی آوردند. در آن مصحف، در صدر هر سوره، ترتیب نزول و مکی و مدنی بودن آیاتش ذکر گردیده بود. پس از آن، تفاسیر «بیان المعانی» آل‌غازی، «التفسیر الحدیث» و «سیرة الرسول صور مقتبسة من القرآن الکریم» دروزه، «معارج التفکر و دقائق التدریس» حبنکه الميدانی، «تفسیر فهم القرآن الحکیم؛ التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول» عابد الجابری، به ترتیب زمانی نگاشته شد.

«سیر تحوّل قرآن» و «پا به پای وحی» مهدی بازرگان، «پیامبری و انقلاب، پیامبری و جهاد، پیامبری و حکومت» جلال‌الدین فارسی، «همگام با وحی» عبدالکریم بهجت پور، از تألیفات دانشمندان شیعه به ترتیب نزول می‌باشد.

مبانی تفسیر تاریخی

موافقان تفسیر تاریخی، مبانی و پیش‌فرض‌هایی برای آن، در نظر گرفته‌اند. از آنجا که بهجت پور، مبانی و اصول آن را در کتابی تدوین نموده است و بسیاری از مواردی که وی برشمرده، مقبول دیگر موافقان تفسیر تاریخی نیز می‌باشد، لذا اهم مبانی آن، از دیدگاه ایشان بیان می‌شود و به نظرات موافقان دیگر نیز اشاره خواهد شد.

مشروعیت تفسیر تنزیلی (بهجت پور، ۱۳۹۲، ۴۸)، آینه‌سان بودن فطرت و دین (همان، ۶۸-۷۶)، حکیمانه بودن محتوا و نظم نزولی قرآن (همان، ۷۷-۸۴)، شمول پیام قرآن (همان، ۸۴-۹۰)، هدایت‌مآلی قرآن (همان، ۹۰-۹۱)، گفتاری بودن زبان قرآن (همان، ۱۲۰-۱۳۲) مبانی است که بهجت پور برای تفسیر تاریخی در نظر می‌گیرد.

او دلایلی از قبیل سیر ابلاغی و تعلیمی رسول اکرم (ص) (همان، ۴۹)، ساختار ترتیب سور در مصحف امیرالمؤمنان (ع) (همان، ۵۶)، ترغیب معصومان (ع) به قرائت و فهم ترتیب نزول (همان، ۶۰) را برای جواز و مشروعیت تفسیر تنزیلی بیان می‌دارد.

توقیفی بودن ترتیب نزول سور (نکونام، بی‌تا)، توقیفی بودن ترتیب آیات در مصحف کنونی (آل‌غازی، ۱۳۸۲، ۳۲/۱؛ دروزه، ۱۹/۱؛ نکونام، بی‌تا؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ۱۹۹)، جتهادی بودن

ترتیب سور مصحف کنونی (بهجت پور، ۱۳۹۲، ۱۵۱)، نزول تدریجی قرآن (آل‌غازی، ۱۳۸۲، ۱/۲۴؛ دروزه، ۱۳۸۳ق، ۱/۱۰۸؛ همان، ۶/۲۸۰؛ همان، ۲/۱۳۲) دیگر مبانی تفسیر تاریخی است. هریک از اینها، از زوایای مختلف، در پژوهش مستقلی قابل بحث و نقد می‌باشد.

دلایل موافقان

در این مجال، برخی از دیدگاه‌های موافقان تفسیر تاریخی بیان می‌شود:

یکی از مفسران تفسیر تاریخی، انگیزه خود را از روی آوردن به تفسیر به ترتیب نزول، اراده‌ی امام علی (ع) در چینش آیات و سور قرآن بر اساس نزول می‌داند؛ زیرا ایشان (ع)، با این کار خواستند مردم با مواردی مانند مکان و زمان نزول، اسباب نزول، حوادث نزول، مقدم و موخر، ناسخ و منسوخ قرآن به آسانی و بدون پرسش، آشنا شوند. (رک: آل‌غازی، ۱۳۸۲، ۳/۱)

به این ترتیب، او خود را اولین مفسر این شیوه، و پیرو امام علی (ع) می‌داند. (رک: همان، ۴/۱) یکی دیگر از موافقان نیز، باور دارد که روش تفسیری خویش را از مصحف امام علی (ع) اقتباس کرده که بر اساس ترتیب نزول است. (رک: دروزه، ۱۳۸۳، ۱۰/۱)

در ادامه خواهد آمد که دلیل متقنی مبنی بر چگونگی ترتیب مصحف امام علی (ع) وجود ندارد و نمی‌توان از آن، برای اثبات مشروعیت تفسیر تاریخی استفاده کرد. به فرض که چنین ترتیبی برای این مصحف اثبات شود، باید در نظر داشت که نحوه چینش مصحف با شیوه تفسیر تفاوت دارد.

البته به عقیده‌ی برخی، اهتمام به تفسیر قرآن مطابق نظر امام علی (ع)، فواید فراوانی مانند دفع اختلاف در اسباب نزول، و ناسخ و منسوخ، اجتناب از تکرار عبارات در تفسیر دارد. (رک: آل‌غازی، ۱۳۸۲، ۴/۱) همچنین، چنین شیوه‌ای، برای فهم بهتر معانی آیات، حقایق کتاب خداوند، درک روح دعوت تدریجی اسلام مفیدتر است. (رک: همان، ۳۸) زیرا در آن، به مواردی مانند جو و فضای نزول آیات و سیر سیره نبوی توجه می‌شود. (رک: دروزه، ۱۳۸۳، ۹/۱) علاوه بر اینها، از رهگذر این تفسیر می‌توان، به شناخت بهتر حقایق تاریخی عصر پیامبر (ص) نیز پی برد. (نکونام، بی‌تا) ضمن آنکه، فایده بزرگ این سبک تفسیری، شناخت روش‌های قرآنی در تغییر فرهنگ جاهلی است؛ (رک: بهجت پور، ۱۳۹۲، ۲۲) یعنی این روش، راه منحصر به فرد شناخت مراحل تغییر و تحول معاصران نزول قرآن، از امتی گمراه تا امتی توانا، مستقل و پرمهر است. (رک: همان، ۲۳)

هدف اصلی از انجام تفسیر قرآن به ترتیب نزول، دریافت فهم بهتر از آیات، کشف سیر دعوت نبوی و مراحل ایجاد تحول در جامعه‌ی عصر نزول و بهره‌وری از آن در سایر جوامع خواهد بود؛ به شرط آنکه مفسر تنزیلی به تمام شرایط و قواعد و اصول آن پایبند بوده و در تفسیرش، آنها را عملی سازد، تا چنین فوایدی حاصل شود. معناشناسی مفردات قرآن به گونه‌ای واقع‌نما، یکی دیگر از این فواید به شمار می‌آید. بدین معنا که معنای صحیح مفردات و اصطلاحات قرآنی در بستر تاریخی نزول به آسانی به دست می‌آید. (نکونام، ۱۳۸۶) قطعاً اگر مفسران شیوه تفسیر تاریخی به فضای عصر نزول و فرهنگ مخاطبان زمان رسالت نبوی آگاهی و توجه لازم داشته باشند، قادر خواهند بود معنای دقیق کلمات و اصطلاحات قرآنی را دریابند و تحلیلی صحیح از آیات ارائه دهند. البته باید به لغت عربی و صرف و نحو آن نیز علم و توجه داشت.

از دیدگاه برخی، روایات دالّ بر موافق نزول بودن مصحف امام علی (ع) متواتر و قطعی نیستند و آحاد و ظنی هستند. (رک: نکونام، ۱۳۸۶، ۸۸). مسلماً اگر مصحف امام علی (ع) یا یک روایت قطعی درباره ترتیب نزول سوره‌های قرآن وجود داشت، تفسیر به ترتیب نزول با اعتماد بیش‌تری دنبال می‌شد؛ اما نبود مصحف و روایت قطعی باعث نمی‌شود چنین شیوه تفسیری کنار گذاشته شود. (نکونام، بی تا)

این اعترافات از سوی موافقان تفسیر تاریخی، نشان می‌دهد که اشکالات مخالفان مبنی بر نبود روایات قطعی و متواتر درباره نحوه چینش مصحف امام علی (ع) یا در باب ترتیب نزول سور، بر تفسیر تاریخی وارد بوده و غیر قابل اغماض می‌باشد.

از دیدگاه برخی از موافقان، ترتیب مورد نظر پیامبر (ص) و ائمه (ع)، ترتیب نزول است. اگر کسی بخواهد ترتیبی را خلاف شرع بنامد، آن ترتیب موجود است. (نکونام، ۱۳۸۶)
بر این سخنان چند اشکال وارد است:

اولاً ایشان ادعا کرده که ترتیب مورد نظر پیامبر (ص) و ائمه (ع)، ترتیب نزول است، این ادعا بر چه دلیل یا دلایلی استوار است؟ اگر دلیلی برای این مطلب وجود دارد، چرا آن را ارائه نکرده است؟

ثانیاً به باور قرآن‌پژوهان، اکثر قریب به اتفاق سور قرآن، به امر خدا و در زمان پیامبر (ص) چینش شده است؛ یعنی ترتیب آنها توقیفی است، به جز تعداد کمی از سور که شاید اجتهاد و

نظر صحابه در چینش آنها دخیل بوده باشد. (ر.ک: بیهقی، ۱۴۰۵ق، ۷/۱۵۲؛ سیوطی، ۱۴۱۶ق، ۸/۲۲۱؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۸/۵۰)

ثالثاً اگر ترتیب مصحف کنونی خلاف شرع بوده، پس چرا در روایات قطعی و صحیح، هیچ گونه ردیه و اعتراضی از سوی ائمه (ع) نسبت به آن، نقل نشده است؟
 رابعاً در طول سالیان متمادی، مصحف کنونی ملاک تفسیر و فهم و عمل عالمان و فقها قرار گرفته و کسی نسبت به چگونگی این ترتیب، اعتراضی مطرح نکرده است.
 یکی از صاحب نظران تفسیر تاریخی، قرآن با چینش ترتیب نزول را یگانه تاریخ اصیل و صحیح دوره رسالت می داند و می نویسد که قرآنی که به ترتیب نزول مرتب باشد، تاریخی را که در شأن و اسباب نزول نوشته و نقل گشته، تصحیح می نماید. (ر.ک: فارسی، ۱۳۶۷، ۱۸) در واقع از نظر ایشان، یکی از فواید قرآن به ترتیب نزول، تصحیح تاریخ شأن و اسباب نزول قرآن می باشد. باید توجه نمود که این فایده را وی برای قرآن به ترتیب نزول برشمرده است نه برای تفسیر به ترتیب نزول. پیداست که اینها دو مقوله مجزا هستند.

بنابراین، موافقان تفسیر تاریخی دلایلی مانند روایات ترتیب نزول، یافتن فهم بهتر قرآن را علل روی آوردن به آن می دانند؛ ولی به نظر می رسد مهم ترین انگیزه موافقان تفسیر تاریخی، پیروی از مصحف امام علی (ع) می باشد که به عقیده آنان، به ترتیب نزول است. اما بر این انگیزه ۱، ایراداتی وارد است:

برخی، روایات مرتبط با ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی (ع) را جعلی خوانده و در تحلیل و چرایی آن می نویسند:

«در نقلها هیچ گونه صراحتی بر ترتیب پیشین و آن گاه پسین نیست. افزون بر این، نقلی که در منابع اهل سنت پایه این دیدگاه شده، گذشته از این که صراحت ندارد، اعتبار لازم را هم ندارد. نقل، به گونه ای در پیوند با بیعت امام علی (ع) با خلیفه اول بود و نشانگر اینکه عدم بیعت به لحاظ این بوده که ایشان، گرفتار جمع قرآن است! از این نقل، بوی جعل و وضع می آید! گویا

۱. البته بر دیگر دلایل موافقان مانند روایات ترتیب نزول آیات و سور نیز اشکال وارد است

که پژوهش در باب آنها، تحقیق مستقل و جامعی می طلبد.

جاعلان حدیث می‌خواستند به گونه‌ای غیبت امام(ع) از صحنه را بدین صورت توجیه کنند و رقم زدن حاکمیت را بدان گونه که شالوده آن را از پیش ریخته بودند، موجه جلوه دهند.

اما آنچه در منابع حدیثی شیعه بوده، نه تنها هیچ صراحتی ندارد، بلکه قرآینی هم وجود دارد که باید مراد نه آن باشد که آنها گفته‌اند، بل مقصود همان باشد که آوردیم.» (مهدوی‌راد، ۱۳۸۶، ۱۰۰)

تأمل در این سخنان، نشان می‌دهد که پذیرفتنی و منطقی است و روشن است که مخالفان ولایت و امامت حضرت علی(ع)، دست به هر اقدامی در جهت تضعیف ایشان می‌زدند.

برخی از محققان، معتقدند که در میان روایاتی که شامل عبارت "کما أنزل" در وصف مصحف امام علی(ع) است، روایتی دالّ بر ترتیب آن بر اساس نزول، دیده نمی‌شود. (رک: تجری و مقیمی نژاد داورانی، ۱۳۹۴، ۲۶) و با این استدلال، روایاتی که به ادعای برخی، دلالت بر به ترتیب نزول بودن مصحف امام(ع) دارد، رد می‌شود. یکی از منتقدان هم‌سو با گفتار فوق و ضمن تأیید آن، باور دارد که آنچه در روایات مرتبط با این مصحف و گردآوری آن به سفارش رسول اکرم(ص)، موضوعیت دارد جمع آوری قرآن است، نه تفسیر آن. گرچه در حواشی آن، توضیحات تفسیری و تأویلی علاوه بر متن اصلی آیات وجود دارد. (رک: ژیان، ۱۳۹۱، ۸۰) دقت در این روایات، نشان می‌دهد موضوع اصلی آنها، عمل به دستور پیامبر(ص) مبنی بر جمع و تدوین قرآن می‌باشد. پیداست که چون حضرت علی(ع) همواره ملازم ایشان(ص) بود، به مواردی مانند تفسیر و تأویل آیات، ناسخ و منسوخ آگاهی کامل داشته (نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، (خطبه ۱۹۲)، ۳۰۰-۳۰۱) و آنها را در کنار آیات، در مصحف نگاشته است. (ابن بابویه، ۱۲۹۵ق، ۱/۲۸۴) البته باید دقت نمود که مراد از عبارت «علی تنزیله» که در این گونه روایات آمده، آن است جمع حضرت علی(ع) با ذکر شأن نزول همراه بود نه کتابت به ترتیب نزول. شاهدش این است که در نقل دیگری، به تعبیر «کتبه بیده تنزیله و تأویله و الناسخ منه و المنسوخ» وارد شده است (هلالی، ۱۴۰۵ق، ۲/۵۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۸/۲۶۶)؛ زیرا عطف «تأویله» به «تنزیله» قرینه بر این است که مراد از تنزیل، تنزیل در مقابل تأویل است نه ترتیب نزول؛ یعنی تنها به محتوای جمع آوری شده و نه نحوه چیدن آن اشاره دارد. (رک: قدسی، ۱۳۹۳، ۷۰)

بنا به منقولات تاریخی، مصحف امام علی (ع) علاوه بر ذکر شأن نزول، با مواردی دیگر چون ناسخ و منسوخ نیز همراه بوده است. به هر حال آنچه مد نظر روایات در بیان نحوه مصحف ایشان می‌باشد، آن است که امام (ع)، آیات و سوره را در این مصحف به همان گونه‌ای که بر پیامبر (ص) نازل شده بود، بدون کم و کاست جمع آوری نمود. روایات، دلالت صریح و قطعی ندارد که مصحف امام علی (ع) به ترتیب نزول است و ادعای تنظیم این مصحف بر اساس نزول، از استحکام کافی برخوردار نیست (ر.ک: شایسته‌نژاد، ۱۳۹۳، ۶۷). تا این امر، مستمسک موافقان تفسیر تاریخی برای توجیه استفاده از آن در تفسیر قرآن باشد. آنان باید به دنبال دلایل قوی و مستحکم برای جواز و مشروعیت آن، باشند.

یکی دیگر از دلایل موافقان برای اختیار کردن شیوه تفسیر تاریخی، آن است که این شیوه، فهم بهتری از قرآن و معارف دین و شریعت بیان می‌دارد.

این دلیل تا حد زیادی از دید نگارنده مقبول و قابل اثبات است، زیرا در تبیین معارفی مانند مراحل تربیت اخلاقی انسان^۱، نهادینه کردن عفاف و حجاب در جامعه^۲، سیر قانون‌گذاری در قرآن^۳، کمک شایانی نموده است. البته، با توجه به مدعیات موافقان این شیوه، انتظار می‌رود تفسیر آنان با در نظر گرفتن تاریخ نزول، شأن نزول، تاریخ صدر اسلام، تاریخ حیات نبوی شامل مفاهیم نو و کاربردی باشد؛ ولی اندک مطالعه در آنچه مفسران تفسیر تاریخی در شرح و تفسیر آیات ارائه نمودند، نشان می‌دهد که آنان تاکنون موفق نبودند و نکات تازه‌ای از آیات بیان نکردند و

۱. رجوع شود به رساله دکتری (فرایند تربیت اخلاقی انسان در قرآن با نگاه به ترتیب نزول سوره و آیات) از ایوب اکرمی که در سال ۱۳۹۲ در دانشگاه فردوسی مشهد دفاع شده است.

۲. رجوع شود به مقاله (روش قرآن کریم در نهادینه سازی عفاف و حجاب با رویکرد ترتیب نزول) از زاهدی، امرایی، نظریگی که در مجله مطالعات راهبردی زنان در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است.

۳. رجوع شود به رساله دکتری (سیر تدریجی قانون‌گذاری در قرآن کریم به ترتیب نزول سوره‌ها) از الیاس پور اکبر که در سال ۱۳۹۶ در دانشکده اصول دین قم دفاع شد.

اغلب مطالب تفسیر آنها، مشابه مطالب تفاسیر به ترتیب مصحف و یکسان با آنها می‌باشد. (بهجت پور، ۱۳۸۷، ۱/۴۸۳-۴۸۸؛ دروزه، ۱۳۸۳ق، ۱/۵۱۱-۵۲۴؛ طباطبایی، ۱۳۵۳)

دلایل مخالفان

مخالفان تفسیر تنزیلی در نقد و رد آن، دلایلی نظیر ابهام در مفهوم (شاکر، ۱۳۸۹)، عدم امکان بازسازی فضای نزول (شاکر، ۱۳۸۹؛ فرشچیان، ۱۳۹۵). ضعف روایات ترتیب نزول (شاکر، ۱۳۸۹؛ جواهری، ۹۴/۵/۲۹)، اشکال در روایات مشتمل بر (کما انزل) و مصحف امام علی (ع) (رک: شاکر، ۱۳۸۹، ۱۱۱؛ ایازی، ۱۳۷۳، ۱۳۰؛ تجری و مقیمی نژاد، ۱۳۹۴، ۳؛ ژیان، ۱۳۹۱، ۶۹؛ مهدوی‌راد، ۱۳۸۶، ۹۸؛ شایسته‌نژاد، ۱۳۹۳، ۶۷)، ضعف روایات اسباب النزول (رک: طباطبایی، ۱۳۵۳، ۱۷۳-۱۷۵؛ ایازی، ۱۳۷۳، ۱۳۸)، خلاف حکمت و مصلحت بودن این شیوه را (رک: قدسی، ۱۳۹۳، ۵۵) به عنوان دلایل مخالفت خویش مطرح نمودند. برخی از این دلایل، مانند ضعف روایات ترتیب نزول، بر تفسیر تاریخی وارد بوده و برخی دیگر، مانند ابهام در مفهوم، از استواری لازم برخوردار نبوده و مردود است.

از آنجا که روایات ترتیب نزول (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۲۵/۲۵۶؛ یعقوبی، بی‌تا، ۲/۳۳ و ۴۳؛ ابن‌الندیم، بی‌تا، ۱/۲۸-۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۱۰/۶۱۳ و ۶۱۴؛ حسکانی، ۱۴۱۱ق، ۲/۴۰۹-۴۱۰) یکی از منابع اساسی تفسیر تاریخی قرآن می‌باشد، لذا در این بخش تحلیلی بر آنها خواهد شد:

مخالفان تفسیر تنزیلی معتقدند که این روایات ضعیف بوده و نمی‌تواند مبنای کار قرآنی قرار گیرد. آنها با استناد به قول علامه طباطبایی، روایات ترتیب نزول را نه دینی می‌دانند و نه تاریخی (شاکر، ۱۳۸۹) و ادعا می‌کنند که این روایات، مشمول خبر واحد و به تبع آن، عدم حجیت می‌باشند. (همان)

باید توجه داشت که ایشان دلیلی برای ضعف روایات ترتیب نزول و رد آنها ارائه نکرده و تنها به بیان دیدگاه علامه طباطبایی اکتفا نموده و این نقطه‌ی ضعیفی برای اوست. در پاسخ اشکال او:

اولاً باید گفت این سخن علامه طباطبایی که برخی به آن استناد می‌کنند در کتاب قرآن در اسلام ایشان آمده (رک: طباطبایی، ۱۳۵۳، ۱۸۶-۱۸۷) که قبل از تدوین تفسیر المیزان نوشته شد. روشن است که عملکرد تفسیری علامه، در مواردی مغایر با آرای ایشان در کتاب قرآن در اسلام

بوده است. ثانیاً علامه، توجه به مکی و مدنی بودن را در تفسیر نهی نکرد، بلکه راه دیگری را برای تشخیص این امر پیشنهاد می‌دهد. (رک: همان) ثالثاً ایشان، در موارد متعددی از تفسیر قرآن با عنایت به روایات ترتیب نزول سوره‌ها، بهره جسته و نظر دیگری را ارائه نموده است؛ برای نمونه در تفسیر آیه ۷ سوره فصلت ۱ می‌فرماید: مراد از "دادن زکات"، مطلق انفاق مال در راه خدا به فقراء و مساکین است، زیرا زکات به معنای صدقه واجبی که از احکام اسلام است، در روزهایی که این سوره نازل می‌شد واجب نشده بود، چون سوره فصلت از قدیمی‌ترین سوره‌های مکی است. (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۷/۳۶۱)

یکی از مخالفان تفسیر تاریخی، معتقد است به خاطر ضعف و بی‌اعتباری روایات ترتیب نزول، و با توجه به نهی روایات از تفسیر به رأی، لازم است هر گونه تفسیر بر پایه ترتیب نزول با لسان احتمال و به روش احتیاط و در تراز اخذ به مؤیدات انجام گیرد. (جوهری، ۲۹/۵/۹۴) بنابراین، ایشان نیز استمداد از این روایات را به طور کلی نهی نمی‌کند بلکه بیان تفسیر با استفاده از آنها را در حد احتمال می‌پذیرد؛ هرچند یکی از دلایل ضعف را، نقل غالب آنها توسط ابن عباس می‌داند. ضمن آنکه به عقیده ایشان، از اهل بیت (ع) در باب اولین سوره نازل شده و آخرین سوره و در همین حد یا نزدیک به این‌ها، وارد شده است که در اینجا کارآمد نیست. (جوهری، ۲۸/۷/۹۴) در تأیید ضعف روایات ترتیب نزول باید گفت: از آنجا که ابن عباس، سه سال قبل از هجرت پیامبر (ص) به مدینه متولد شد و در زمان وفات آن حضرت، کودکی ده یا سیزده ساله بوده است (رک: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ۳/۹۳۴؛ ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ۳/۱۸۷؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ۴/۱۲۲؛ ابن عماد، ۱۴۰۶ق، ۱/۲۹۴؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ۳/۱۰۱؛ طبری، ۱۳۵۶ق، ۲۲۶)، لذا نمی‌تواند شاهد نزول تمام قرآن و همچنین وقایع صدر اسلام و راوی آنها به صورت مستقیم باشد.

ضعف روایات ترتیب نزول، به قدری واضح است که حتی موافقان تفسیر به ترتیب نزول نیز اذعان دارند که استفاده از این روایات، می‌تواند به طور تخمینی و احتمالی و نه قطعی و یقینی باشد. به اعتراف یکی از موافقان، هرچند، دقیق‌ترین و مطمئن‌ترین شاخص برای تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن، تصریحات یا اشارات قوی آیات آنها به رخدادهاي زمانمند عهد رسول خدا (ص)

است، ولی با توجه به اندک بودن سوره‌های حاوی چنین تصریحات و اشاراتی، ناگزیر باید برای تکمیل تاریخ‌گذاری، به شاخصهای دیگری مانند روایات ترتیب نزول، که از دقت و اطمینان کمتری برخوردارند، روی آورد. (رک: نکونام، ۱۳۷۹، ۳)

بنابراین، یکی از اشکالات اساسی وارد بر تفسیر تاریخی، ضعف روایات ترتیب نزول است. لذا موافقان آن، بایستی قبل از هر کاری مبانی و پایه‌های این شیوه را که از آن جمله روایات ترتیب نزول می‌باشد، تقویت و تحکیم نمایند و سپس به تفسیر آیات پردازند. ضمناً تا زمانی که قطعیت لازم درباره روایات ترتیب نزول حاصل نشد، تبیین و توضیح آیات با کمک آنها به صورت احتمال بیان شود. البته می‌توان از این روایات، برای فهم بهتر آیات در کنار سایر منابع متقن، کمک گرفت.

نقد تفسیر تاریخی

تفسیر تاریخی از چند جهت قابل نقد می‌باشد:

۱. نقد مبانی و قواعد

۲. نقد تفاسیر تاریخی

۳. نقد روش

هم از زاویه مبانی و قواعد تفسیر تاریخی مانند ترغیب معصومان (ع) به قرائت و فهم ترتیب نزول، آینه‌سان بودن فطرت و دین، اجتهادی بودن ترتیب مصحف کنونی، می‌توان آن را نقد کرد.

هم تفاسیری (مانند بیان‌المعانی آل غازی، التفسیرالحدیث دروزه، همگام با وحی بهجت پور) را که تا به حال با این روش انجام شده و به اعتقاد مفسران آن، فهم بهتری از آیات ارائه نموده است، می‌توان نقد نمود؛ زیرا مطالعه موردی این تفاسیر نشان می‌دهد عملاً چنین چیزی واقع نشده و تفسیری که آنان از آیات بیان کردند، مشابه و یکسان با شرحی است که مفسران ترتیب مصحف ارائه نمودند. همچنین شرح آنها، مزیت قابل‌اعتنایی نسبت به تفاسیر مصحفی ندارد.

هم خود این روش به تنهایی قابل بررسی و نقد است که مثلاً حال که شیوه‌ای جدید است آیا افق‌های تازه‌ای از فهم قرآن به روی مخاطبان می‌گشاید؟ با استمداد از آن، نکات تازه‌ای از قرآن می‌توان استخراج نمود؟ دستاوردهای جدید تفسیری آن چیست؟ آیا استفاده از این روش به

تنهایی برای فهم مفاهیم قرآن کافی است؟ آیا تقدیم و تأخیر کردن سوره‌ها، در تفسیر نمودن آنها مؤثر است؟

برخی از محققان، بر این باورند که رعایت ترتیب نزول، هیچ ارتباطی به فهم معانی آیات ندارد؛ بلکه فقط، تعیین مکی یا مدنی بودن هر سوره، مکان و علت نزول آن، نزول آن در اوایل بعثت یا اواخر آن، و یا در سالهای نخست هجرت یا اواخر آن، در فهم معانی آیات آن سوره مؤثر است. اگر سوره در صدر کتاب تفسیری یا در ذیل آن قرار گیرد، تأثیری در فهم معانی آن ندارد و اعتقاد به این گونه تصرّفات و تأثیرات، بیشتر به توهم می‌ماند و واقع‌نگری نیست. (رک: معرفت، ۱۳۷۹، ۲/ ۵۲۰ و ۵۲۱) ولی به نظر می‌رسد رعایت ترتیب نزول، حداقل می‌تواند ما را با سیر تحول فرهنگی جامعه عصر نزول و تحول روحی افراد آشنا نموده و زمینه را برای الگوگیری از مفاهیم قرآن، برای رشد و تعالی سایر افراد و جوامع فراهم آورد.

ضمناً اگر مفسر بخواهد موضوعی از قرآن را به ترتیب نزول بررسی نماید، چون زمان و فضای نزول آیات، بر حسب اینکه ابتدای نزول وحی باشد یا در سالهای میانی یا پایانی نزول قرار گرفته باشد، و یا اینکه در مکه نازل شده باشد یا در مدینه، یا شرایط و سبب نزول آن چه باشد، متفاوت است، تفسیر آنها نیز متفاوت خواهد بود. مثلاً اگر آیه در سالهای اولیه نزول باشد، چون هنوز جامعه اسلامی چندان شکل نگرفته و آماده نیست، مسلماً نوع بیان مفاهیم الهی فرق خواهد داشت. در سالهای پایانی نزول، بسیاری از مفاهیم، کامل شده و جامعه اسلامی تشکیل شده است. پس بررسی آیات به ترتیب نزول با بررسی آنها به ترتیب مصحف کنونی متفاوت خواهد بود.

از جمله نقدهای وارده بر تفسیر تاریخی، جدید بودن آن است که به تعبیر برخی، کسی از مفسران متقدم یافت نمی‌شود که به این طریقه التزام داشته باشد. (رک: ایازی، ۱۳۷۳، ۳۴) باید توجه داشت عدم التزام گذشتگان به این شیوه، نمی‌تواند دلیلی بر رد آن باشد؛ بلکه اعتبار هر شیوه‌ی جدیدی، بایستی از زوایای مختلف بررسی و سنجیده شود. هرچند ممکن است این شیوه تفسیری، قدمت چندانى نداشته باشد ولی می‌تواند ما را در شناخت بهتر مقاصد قرآن یاری رساند. همچنان که به باور برخی، چنین تفسیری مادامی که عوارض جنبی نداشته باشد و از حدّ تفسیر به تدوین و کتابت قرآن نرسد، نه تنها مشروع است بلکه ممکن است این امر تا حدودی، به فهم مدالیل آیات و سیاق آنها کمک کند. (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۷۰ و ۱۷۱) به عقیده نگارنده

مقاله حاضر نیز، شیوه تفسیر تاریخی قرآن، کارآمد بوده و می‌توان با کمک تاریخ صحیح صدر اسلام، تاریخ نزول آیات و سوره‌ها و اسباب نزول، از آن برای فرهنگ‌سازی و تحول‌آفرینی در جامعه اسلامی و نهادینه کردن موضوعاتی مانند نحوه رویایی با منافقان یا اهل کتاب و چگونگی و مراحل آن بر اساس تاریخ ۲۳ ساله رسالت بهره برد. نباید به طور کلی از تفسیر به ترتیب نزول غافل شد و از آن، برای دستیابی به نظریه قرآنی ذیل مباحثی همچون موضوعات اخلاقی استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

تفسیر تاریخی، تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول می‌باشد. مهمترین عناصر قابل توجه در آن، تاریخ نزول، تاریخ صدر اسلام و حوادث و جنگ‌های آن زمان، ترتیب نزول و شأن نزول می‌باشد؛ به عبارتی دیگر، توجه به تاریخ، در آن، تأثیر و نقش به سزا و حیاتی دارد. موافقان، دلایلی مانند سیر ابلاغی و تعلیمی رسول اکرم (ص)، ساختار ترتیب سوره مصحف امیرالمؤمنان (ع) را برای مشروعیت و جواز این شیوه بیان نمودند.

باید در نظر داشت از آنجا که روایات مربوط به ساختار ترتیب سوره در مصحف امام علی (ع) از استحکام کافی برخوردار نیست و هیچ‌گونه صراحتی بر به ترتیب نزول بودن آن مصحف ندارد، لذا دلیل متقن و قطعی برای جواز تفسیر تاریخی نمی‌باشد.

مبانی تفسیر تاریخی عبارتند از: آینه‌سان بودن فطرت و دین، حکیمانه بودن محتوا و نظم نزولی قرآن، شمول و گسترش پیام قرآن، هدایت‌مآلی قرآن، گفتاری بودن زبان قرآن، توقیفی بودن ترتیب نزول سوره قرآن، توقیفی بودن ترتیب آیات مصحف کنونی، اجتهادی بودن ترتیب سوره مصحف کنونی، اعتقاد به نزول تدریجی قرآن.

بررسی شیوه تفسیر تاریخی قرآن نشان می‌دهد که این شیوه با توجه به نداشتن قدمت طولانی، مورد انتقاد برخی از قرآن‌پژوهان واقع شده است. مخالفان عللی مانند ضعف روایات ترتیب نزول، اشکال در روایات مشتمل بر (کما انزل) و مصحف امام علی (ع) را در نقد و رد تفسیر تاریخی مطرح نمودند. برخی از این دلایل مثل ضعف اسناد و روایات ترتیب نزول بر شیوه تفسیر تاریخی وارد است و موافقان، بایستی برای مرتفع ساختن این اشکالات تلاش نمایند.

بسیاری از منتقدان، با توجه به تفاسیری که تاکنون به شیوه تفسیر تاریخی نگارش یافته، معتقدند که این تفاسیر تقریباً هیچ نکته تفسیری تازه و متفاوتی از تفاسیر به ترتیب مصحف و هیچ امتیازی بر آنها ندارند. این در حالی است که اگر مفسران تفسیر تاریخی، به تمام اصول و مبانی و قواعد آن پایبند باشند، می‌توانند تفسیری ارائه نمایند که حاوی نکات و مطالب تازه تفسیری و مراحل تحول جامعه اسلامی و سیر دعوت نبوی باشد. یعنی به نظر می‌رسد خود شیوه تفسیر تاریخی قرآن به نوبه خود قابل پذیرش و دفاع است و فوایدی دارد؛ اما در لوازم و مقدمات و قواعد آن و همچنین تفاسیر تاریخی موجود، ضعف‌هایی وجود دارد.

باید توجه داشت آنچه که در نهایت از تفسیر تاریخی می‌توان پذیرفت، تفسیر تاریخی موضوعی است؛ بدین معنا که موضوعاتی مانند اخلاقیات، حجاب، انفاق، با توجه به ترتیب نزول سور، شأن نزول آیات، مکی و مدنی بودن آنها، فضا و جو نزول آیات در عصر نزول، تاریخ اسلام، به صورت تدریجی و مرحله به مرحله، همگام با نزول آیات در طول ۲۳ سال مورد بحث و بررسی قرار گیرد تا بتوان گام‌هایی برای تحول فرد و جامعه ارائه نمود و به شناخت بهتری از سیره نبوی، مراحل و نحوه تعامل ایشان با مخاطبان، چگونگی ایجاد تحول در جامعه عصر نزول و افراد آن، دست یافت.

منابع

- ابن اثیر، علی بن محمد، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۵ق.
- ابن الندیم، الفهرست، تهران، بی‌نا، ۱۳۵۰.
- ابن حجر، احمد بن علی بن حجر، الإصابة فی تمییز الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبد الله، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- ابن عماد، عبد الحی بن احمد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ابن دمشق - بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۰۶ق.

ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۷۳.

- ایازی، سید محمدعلی، «نقدی بر فوائد تفسیر ترتیب نزولی»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۸۹.
- آل غازی، ملا حویش، بیان المعانی، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر همگام با وحی، قم، سبط النبوی، ۱۳۸۷.
- بهجت پور، عبدالکریم، «رویگردی نو در تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۸۹.
- بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
- بهجت پور، نشست علمی «بررسی روش تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول»، مؤسسه پژوهشی - فرهنگی فهیم، ۱۳۸۹.
- بیهقی، احمد بن الحسین، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشريعة، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۰۵ق.
- تجری، محمدعلی؛ مقیمی نژاد داورانی، محدثه، «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی (ع)»، آموزه‌های قرآنی، شماره ۲۲، ۱۳۹۴.
- جوادی آملی، عبدالله، نزهت قرآن از تحریف، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹.
- حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ اول، تهران، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۱ق.
- خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، چاپ اول، تهران، دوستان و ناهید، ۱۳۷۷.
- دروزه، محمد عزة، التفسیر الحدیث، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ مومن نژاد، ابوالحسن؛ «تفسیر تاریخی قرآن کریم»، دو فصلنامه قرآن و علم، دوره نهم، شماره ۱۶، ۱۳۹۴.
- ریچارد بل، درآمدی بر تاریخ قرآن؛ ترجمه خرمشاهی، بهاء الدین، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۲.
- ژیان، فاطمه، «مصحف امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ترتیب آن»، معرفت، سال بیست و یکم - شماره ۱۸۰، ۱۳۹۱.

- سمیع نزال عمران، الوحدة التاريخية للسور القرآنية، دمشق/عمان، دارالقراء/دارقטיبه، ۲۰۰۶.
- سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه؛ صبحی صالح، چاپ اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.
- سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، لبنان، دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
- شاکر، محمدکاظم؛ جلسه نظریه پردازی نقد و بررسی رویکردهای مختلف تفسیر قرآن بر اساس ترتیب نزول، ۱۳۸۹.
- شاکر، محمدکاظم، «تفسیر بر اساس ترتیب نزول با سه قرائت»، پژوهش‌های قرآنی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ۱۳۸۹.
- شاکر، محمدکاظم، روشهای تأویل قرآن، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- شایسته‌نژاد، علی اکبر، «تفسیر تنزیلی در بوته نقد با تأکید بر تفسیر الحدیث»، معرفت، شماره ۱۹۷، ۱۳۹۳.
- صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، چاپ پنجم، قم، منشورات الرضی، ۱۳۷۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامیة جامعہی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محب الدین، ذخائر العقبین فی مناقب ذوی القربین علیهم السلام، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، کتاب التفسیر، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰.
- فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، قم، امید، ۱۳۶۷.
- فرشجیان، رضا، (۱۳۹۵)، گفت و گو با خیرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا).
- قدسی، احمد، «نگاهی به تفسیر قرآن به ترتیب نزول»، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات تفسیری، سال پنجم، ۱۳۹۳.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مسعودی، علی بن الحسین بن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ دوم، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.

- معرفت، محمد هادی، تفسیر و مفسران، ترجمه خیاط و نصیری، قم، مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹.
- مهدوی راد، محمد علی، «میراث مکتوب علوی»، علوم حدیث، شماره ۳۷ و ۳۸، ۱۳۸۴.
- نشست تخصصی «نقد و بررسی نظریه تاریخ گذاری قرآن؛ احراز ترتیب نزول قرآن کریم، ۱۳۸۶، سایت مدهامتان.
- نکونام، جعفر، «ترتیب مصحف امام علی (ع) موافق نزول یا موافق موجود؟»، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۸۶.
- نکونام، جعفر، «تفسیر تاریخی قرآن کریم»، پژوهش دینی، شماره نوزدهم، ۱۳۸۸ش.
- نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، هستی نما، ۱۳۸۸ش.
- نکونام، جعفر، «بررسی روایات ترتیب نزول»، قرآن در آینه پژوهش، شماره ۱، ۱۳۷۹ش.
- نکونام، روش تفسیر تاریخی در بوته نقد، سایت مدهامتان.
- نولدکه، تئودور، تاریخ قرآن، نیویورک، دار نشر جورج آلمز، ۲۰۰۰م.
- هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، چاپ اول، قم، الهادی، ۱۴۰۵ق.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، قم، اهل بیت (ع)، بی تا.
- (<http://javahery.blogfa.com>/یادداشت های سیدمحمدحسن جواهری).